

Designing and Explaining a Systematic Model of Good Governance in Scientific and Technological Organizations

Elham Vafaei*, Saeideh Samadzad**

Original Article	Receive Date: 2025 Jul 04	Accept Date: 2025 Aug 02	Page: 209-235
------------------	---------------------------	--------------------------	---------------

Abstract

This study aims to design and explain a systematic model of good governance within scientific and technological organizations. Employing a mixed-methods approach, the research encompasses both qualitative and quantitative stages. In the qualitative phase, components that facilitate good governance in these organizations were identified through an extensive literature review and interviews with experts, managers, and professionals from relevant fields. The quantitative phase subsequently evaluated the identified components.

For qualitative analysis, purposive sampling and content analysis methods were utilized, while the quantitative analysis employed simple random sampling and structural equation modeling. The research findings highlight several critical components for achieving good governance, along with their respective path coefficients: intervening factors (0.82), contextual factors (0.79), causal factors (0.62), strategic factors (0.58), and consequences (0.42).

In light of these findings, it is recommended to develop a comprehensive plan and roadmap for implementing effective governance in the science and technology sector. This plan should involve all stakeholders, establish legal frameworks, and secure the necessary political, economic, financial, and social support for successful governance. Additionally, it should clearly define the roles and responsibilities of each official stakeholder institution and structure within the science and technology system, establish indicators and criteria for measuring and evaluating the success of governance practices, and identify the necessary laws and regulations to integrate, coordinate, and streamline conditions, processes, and information flows in governance.

Keywords: Good Governance, Scientific and Technological Organizations, Structural Equations, Systematic Model

JEL Classification: M11, Q56, H11.

* Assistant Professor, The Center for Development Research and Foresight, Tehran, Iran (Corresponding Author)

elham.vafaei@yahoo.com

** Assistant Professor at Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR), Tabriz, Iran

samadzad@acecr.ac.ir

طراحی و تبیین الگوی سیستماتیک حکمرانی خوب در سازمان‌های علمی و فناورانه

الهام وفائی*، سعیده صمدزاد**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۳	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱	شماره صفحه: ۲۳۵-۲۰۹
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، طراحی و تبیین الگوی سیستماتیک حکمرانی خوب در سازمان‌های علمی و فناورانه است. این تحقیق از آنجایی که با توجه به روش خاص گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو مرحله کیفی و کمی تشکیل شده است. در مرحله کیفی با استفاده از بررسی ادبیات موضوعی و مصاحبه با خبرگان، مدیران و کارشناسان سازمان‌های ذینفع، مؤلفه‌های تحقق‌پذیری حکمرانی خوب در سازمان‌های علمی و فناورانه شناسایی و سپس در مرحله کمی تحقیق، مؤلفه‌های شناسایی‌شده، مورد ارزیابی قرار گرفت. در بخش کیفی تحقیق از روش نمونه‌گیری هدفمند و رویکرد تحلیل مضمون و در بخش کمی نیز از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و رویکرد معادلات ساختاری جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردید. نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد عوامل مداخله‌گر با ضریب مسیر ۰/۸۲، عوامل زمینه‌ای با ضریب مسیر ۰/۷۹، عوامل علی با ضریب مسیر ۰/۶۲، عوامل راهبردی ضریب مسیر ۰/۵۸ و پیامدها با ضریب مسیر ۰/۴۲ از مؤلفه‌های تحقق‌پذیری حکمرانی خوب است. در این راستا تهیه یک طرح جامع و نقشه راه برای عملیاتی شدن حکمرانی مطلوب در نظام علم و فناوری، مشارکت دادن همه ذینفعان و تعریف بسترهای قانونی آن، نیاز به وجود پشتیبانی‌های سیاسی، اقتصادی، مالی و اجتماعی مورد نیاز برای تحقق حکمرانی مطلوب، تعیین شفاف وظایف و نقش‌های هریک از نهادها و ساختارهای رسمی ذینفع در حوزه نظام علم و فناوری، تعیین شاخص‌ها و معیارهای سنجش و ارزیابی موفقیت حکمرانی مطلوب، شناسایی قوانین و مقررات مورد نیاز به منظور یکپارچه‌سازی، هماهنگ‌سازی و ساده‌سازی شرایط، روندها، جریان‌های اطلاعاتی در موضوع حکمرانی پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: حکمرانی خوب، سازمان‌های علمی و فناورانه، الگوی سیستماتیک، معادلات ساختاری

طبقه‌بندی: JEL: M11, Q56, H11.

* Elham Vafaei@yahoo.com

* استادیار، مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

** samadzad@acecr.ac.ir

** استادیار پژوهشکده توسعه و برنامه‌ریزی جهاد دانشگاهی، تبریز، ایران

۱- مقدمه

حکمرانی خوب مترادف با شفافیت، پاسخگویی، عدالت و ارتقای تساوی افراد در برابر قانون بوده و به مثابه یک پارادایم نوین و فرایند جدید مدیریت، پارادایم‌های پیشین مدیریت دولتی را به چالش کشانده و ارزش‌های نوینی بر مدیریت دولتی افزوده است (سلطانی نژاد و گودرزی، ۱۳۹۶). بر اساس برنامه‌ریزی توسعه سازمان ملل، حکمرانی خوب شامل قوانین، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه آن، مردم، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را اجرا و تعهداتشان را برآورده می‌کنند و تفاوتشان را کاهش می‌دهند (Grindle, 2012).

در عصر جدید با پیچیدگی شرایط اجتماعی برای مدیریت امور عمومی و سیاست‌گذاری توسعه، تنها دولت با کارگزاری حکومت مطرح نیست، بلکه از مقوله حکمرانی با مشارکت دیگر نیروهای اجتماعی در سطح داخلی و بین‌المللی صحبت به میان می‌آید (UN-HABITAT, 2002). از این جهت سازمان‌دهی و ارتباط منطقی و هماهنگ هر دو بخش دولت و جامعه در مسیر توسعه مقوله بسیار مهمی است. با توجه به شرایط از دهه ۱۹۹۰ الگوی حکمرانی خوب مطرح شد که در آن دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در ساختاری افقی و در کنار همدیگر به صورت متوازی سازمان‌دهی می‌شوند. در این الگو ساختار و فرایندها و همچنین ماهیت دولت که دارای ابعادی حقوقی و سیاسی است، به گونه‌ای شکل می‌گیرد که برآیند کلی آن مبتنی بر راهبری و تسهیلگری امور و کارآمدی در رفع نیازها و رفاه عمومی و به طور کلی حرکت در مسیر اصلی است. نیروهای اجتماعی در ارتباط با دولت و با یکدیگر در قالب تفکر شبکه‌ای، دارای ارتباطی هماهنگ و منسجم هستند. با برقراری الگوی حکمرانی خوب و ساختار آن در روابط اجتماعی تفکر عمودی و سلسله‌مراتبی جایگاه خود را از دست می‌دهد و اجزاء به طور هوشمندانه در قالب شبکه و در منطق آن و با ابزارهای نوین ارتباطی باهم در تعامل هستند (Holohan, 2010).

حکمرانی خوب با رویکردها و اهداف گوناگون تعریف شده است. برخی از سازمان‌های جهانی و پژوهش‌های علمی باهدف توسعه اقتصادی به حکمرانی نگریسته‌اند. برای مثال «بانک جهانی» (۱۹۹۲)، «اتحادیه اروپا» (۲۰۰۲) و «برنامه جامع کاهش فقر و استراتژی رشد در ویتنام» (۲۰۰۲)، بر جنبه‌های اقتصادی و مدیریتی حکمرانی از قبیل تخصیص کارآمد منابع، رفع فقر، رشد اقتصادی، ایجاد اداره امور دولتی کارا و اثربخش، ریشه‌کنی فساد و تأکید نموده‌اند. برخی دیگر آن را باهدف توسعه سیاسی تعریف نموده‌اند. از نگاه آن‌ها جنبه‌های متنوع دموکراسی مانند انتخابات، سیستم نمایندگی، کثرت‌گرایی مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری، عدم تمرکز سیاسی، آزادی‌های مدنی، مشروعیت دولت، ارتقاء سطح جامعه مدنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به طور مثال «مؤسسه توسعه بین‌الملل ایالات متحد آمریکا» (۱۹۹۸) و «دانشگاه تکنولوژی سیدنی» حکمرانی خوب را از دیدگاه سیاسی موردبررسی قرار داده‌اند. از سویی دیگر، برنامه توسعه سازمان ملل متحد (۱۹۹۷؛ ۲۰۰۲) حکمرانی خوب را با دو هدف توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی تبیین کرده‌اند. این دسته از نهادها، حکمرانی خوب را در حضور ویژگی‌هایی نظیر شفافیت، حاکمیت قانون،

مشروعیت، شایستگی، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، اجماع، وجود دیدگاه استراتژیک در میان رهبران و مدیران می‌دانند (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸).

با استقرار حکمرانی مطلوب افراد، بیشتر احساس امنیت می‌کنند و نظام اجتماعی و سیاسی را بدون تبعیض می‌بینند و شاهد میزان کمتری از فساد هستند. اصولاً در دولت بزرگ و دولتی که عرصه را برای بخش خصوصی و فردی تنگ می‌کند امکان رشد فردی و همکاری و اعتماد بین افراد شکل نمی‌گیرد. بدین ترتیب ماهیت و ساختار حکمرانی خوب به سمت بازسازی و اصلاح حاکمیت می‌رود و پیامد اصلاح دولت توانمندسازی بخش خصوصی است که در این صورت از تعامل دولت و بخش خصوصی، مدار توسعه شکل می‌گیرد (Fukuyma, 2002).

در دنیای معاصر، یکی از مهم‌ترین مسائل؛ ماهیت و نقش پویای دولت و فرایند حکمرانی است (Beshi, Kaur, 2020). ایده حاکمیت خوب مدت‌ها در عرصه نظام‌های حکومتی حاکم بود و دولت‌ها خود را مکلف به برآوردن خواسته‌های مردم و شهروندان می‌دانستند؛ ولی به واسطه افزایش جمعیت و بروز خواسته‌های جدید و ضرورت نگهداری از منابع و تأسیسات، دولت‌ها با چالش‌های جدی مواجه شدند؛ از این‌رو، بحث حاکمیت خوب مطرح گردید. در همین راستا، نقش بازیگران غیردولتی در شکل‌دهی به حاکمیت شایسته و مطلوب درک شد و سازمان‌های غیردولتی در تلاش هستند فاصله میان دولت‌ها و ملت‌ها را به صورت حد واسطی تکمیل کنند و این خود موجب گسترش فرایند حاکمیت خوب می‌شود. دولت‌ها به واسطه تمرکز امور خود در طولانی‌مدت به واسطه ناتوانی در برآوردن خواسته‌های شهروندان با بحران مشروعیت مواجه شدند؛ بنابراین، با پیگیری سیاست تمرکززدایی و اعطای اختیارات به نهادهای محلی در جهت کسب مشروعیت ازدست‌رفته در تلاش بوده‌اند (کیانی و زارعی، ۱۴۰۱).

در این راستا، سازمان‌های علمی و فناورانه به عنوان موتور محرکه توسعه دانش بنیان، نیازمند الگوهای حکمرانی کارآمدی هستند که بتوانند در محیطی پویا و رقابتی، به صورت شفاف، پاسخگو و عادلانه عمل کنند. حکمرانی خوب در این سازمان‌ها نه تنها موجب ارتقای کیفیت تحقیقات و نوآوری می‌شود، بلکه زمینه‌ساز جلب مشارکت ذی‌نفعان، کاهش فساد و تخصیص بهینه منابع است. در غیاب حکمرانی مطلوب، چالش‌هایی مانند بوروکراسی ناکارآمد، فقدان شفافیت در تخصیص بودجه‌های پژوهشی و نابرابری در دسترسی به امکانات، می‌تواند به کاهش بهره‌وری و انزوای علمی بینجامد.

از سوی دیگر، سازمان‌های فناورانه در عصر اقتصاد دانش‌محور، نقش کلیدی در توسعه پایدار ایفا می‌کنند. حکمرانی خوب در این سازمان‌ها با تقویت مکانیسم‌های پاسخگویی و حاکمیت قانون، زمینه را برای جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، توسعه همکاری‌های بین‌المللی و تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی فراهم می‌سازد (Beshi & Kaur, 2020). همچنین، با توجه به نقش حیاتی این سازمان‌ها در حل مسائل پیچیده جهانی مانند تغییرات اقلیمی و امنیت سلامت، استقرار الگوی حکمرانی سامانمند می‌تواند به افزایش اثربخشی سیاست‌گذاری‌های علمی و فناورانه کمک کند. از این‌رو، در این مقاله با توجه به اهمیت موضوع به طراحی و تبیین

الگوی سامانمند حکمرانی خوب در سازمان های علمی و فناورانه با استفاده از رویکردهای تحلیل مضمون و معادلات ساختاری پرداخته شده است.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- مبانی نظری پژوهش

این بخش در سه زیر بخش با عناوین سازمان های علمی و فناورانه، حکمرانی خوب و عوامل مؤثر بر حکمرانی خوب ارائه شده است:

۲-۱-۱- سازمان های علمی و فناورانه

سازمان های علم و فناوری سازمان های دانش بنیان و فناوری محور می باشند و دانشی که بتواند در جهت دستیابی به یک فناوری خاص مورد استفاده قرار گیرد، نقطه آغازی در این سازمان ها برای پژوهش بنیادی راهبردی است. سازمان های علم و فناوری سازمان هایی در ساختار حمایتی هستند و در نظام نوآوری به عنوان پلی بین تحقیقات پایه و کاربری و تجاری سازی فناوری ها تا ارائه به بازار محسوب می شوند (حاجی میررحیمی و همکاران، ۱۳۹۸). به عبارت دیگر، سازمان های علم و فناوری سازمان هایی غیرانتفاعی هستند که فعالیت های تحقیق و توسعه را به منظور کمک به بهبود رقابت پذیری شرکت ها از طریق ارتقا و توانمندی های نوآورانه و فناورانه آن ها انجام می دهند (فلاح حقیقی و همکاران^۱، ۲۰۲۰). هسته مرکزی و عامل اصلی بقای سازمان های علم و فناوری در بلندمدت، ظرفیت و توان آن ها در ایجاد فناوری و به خصوص فناوری های جدید است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۲).

این سازمان ها به دلیل نوپا بودن و نیز ماهیت فعالیت هایشان دارای ساختار، مأموریت و استراتژی یکسان نیستند؛ اما ویژگی هایی دارند که آن ها را از سایر سازمان ها جدا می کند. این ویژگی ها در تعریف و کارکردها یا فعالیت های این سازمان ها به چشم می خورد. به همین دلیل برای تبیین این سازمان ها از تعاریف بیان شده در ادبیات و شناخت کارکردها یا فعالیت های این سازمان ها استفاده می کنیم. انجمن سازمان های پژوهش و فناوری مستقل اروپا^۲ (۲۰۰۶) سازمان های علم و فناوری را این گونه تعریف می کند: «سازمان هایی که فعالیت غالب آن ها انجام فعالیت های تحقیق و توسعه، ارائه خدمات فناوری و نوآوری به شرکت ها، سازمان های دولتی و سایر مشتریان است». همچنین از دیدگاه این انجمن (۲۰۰۶)، این سازمان ها مستقل، مکمل دانشگاه، عمدتاً غیرانتفاعی و مأموریت گرا هستند. این سازمان ها به عنوان سازمان هایی که کسب و کار اصلی آن ها تحقیق و توسعه باهدف افزایش و بهبود عملکرد نوآورانه مشتریان خود است تعریف شده است. در تعریفی دیگر، سازمان های علمی و فناورانه، عمدتاً در زمره سازمان های عمومی یا نیمه دولتی قرار داشته و تعداد اندکی از آن ها کاملاً خصوصی اند. این سازمان ها با ساختاری تجاری و در محیط رقابتی فعالیت می کنند و معمولاً به شکل شفاف و یا به شکل تلویحی

1. Fallah Haghighi et al.

2. EAIRTO

دارای مأموریت‌های خاص حاکمیتی‌اند (به عنوان نمونه: توسعه فناوری در یک زمینه خاص)، هم از حمایت مالی دولت برخوردارند و درعین حال به دنبال جذب مشتریان دیگر نیز هستند (صمد زاد و همکاران، ۱۴۰۲).

۲-۱-۲- حکمرانی خوب

از زمان شکل‌گیری تمدن‌های نخستین و در طول سال‌های متمادی، انسان‌ها در تعامل با یکدیگر همواره در جستجوی تعالی بوده‌اند تا در کمال امنیت و رفاه زندگی کنند و از منافع توسعه و پیشرفت بهره‌مند شوند. باین وجود و بر اساس تجارب متنوع بشری، این آرمان عمومی جز در سایه دستیابی به مطلوب‌ترین شیوه اداره و راهبری جوامع انسانی میسر نشده و محقق نمی‌شود؛ ازاین‌رو، مشروع‌ترین و مقبول‌ترین شیوه اداره و راهبری جوامع بشری، همواره مسئله اصلی و دغدغه اساسی اندیشه‌ها و نظریه‌های مدیریتی و سیاسی بوده است و در تفکرات هر یک از اندیشمندان و نظریه‌پردازان به شکلی متبادر و متبلور شده است. در این راستا و در سال‌های اخیر، حکمرانی مطلوب به عنوان نظریه و الگویی نوین در اداره و راهبری جوامع مورد توجه قرار گرفته و از کاربرد فرایندهای در ادبیات توسعه و همچنین اسناد بین‌المللی برخوردار شده است. اگرچه دیرزمانی نمی‌گذرد که حکمرانی مطلوب به عنوان یک پارادایم جدید مدیریتی-سیاستی مطرح شده است؛ تاکنون مباحث متعددی را پیرامون خود برانگیخته و اندیشمندان و نهادهای متنوعی را به تحقیق و فعالیت در این عرصه واداشته و به یکی از مهم‌ترین و جذاب‌ترین مفاهیم در علوم اجتماعی، به‌ویژه مدیریت دولتی مبدل شده است (کميجانی و عیوضی، ۱۴۰۰).

بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۹۲ خود، تحت عنوان «حکمرانی و توسعه»، تعریف خود را از حکمرانی خوب چنین ارائه کرد: «شیوه‌ای است که در آن قدرت برای مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور در راستای توسعه صرف می‌شود» (Wood, 1999).

حکمرانی؛ فرایند قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به منظور دستیابی به هدفی مشترک برای همه کنشگران و ذینفعان در چارچوب ارزش‌ها و هنجارها در یک محیط، یک سازمان یا یک کشور است. بر اساس این تعریف، تنظیم قوانین و فرایندهایی که بر سبک سیاست‌گذاری و نحوه نقش‌آفرینی کنشگران و ذینفعان در فرایند سیاست‌گذاری و اعمال قدرت تأثیر می‌گذارد، بخشی از وظایف حکمرانی است. به علاوه، موفقیت حکمرانی معمولاً با مشخصه‌هایی از جمله: دستیابی به ارزش‌ها، رضایتمندی، عدالت‌گستری، مهار فساد، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی، یکپارچگی و امثال آن سنجیده می‌شود (طیپی-رهنی و محمدی مقدم، ۱۴۰۱).

اندیشه حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب؛ تسلط بر محیط و کاهش عدم اطمینان، بنیان شکل‌گیری علوم، تلاش انسان‌ها، جوامع و نظام‌های سیاسی در طول تاریخ بوده است. همان‌طور که (فرد ریگز) دانشمند مشهور توسعه بیان داشته است: چشم‌انداز وضعیت مطلوب در نگاه انسان‌ها و نظام‌های سیاسی، بسیار متنوع و گسترده است. اهداف توسعه، چندانکه‌اند. این اهداف نه تنها با ارتقای سطح تولید و مصرف سروکار دارد، بلکه دغدغه آزادی، عدالت، امنیت و یکپارچگی انسان‌ها را نیز دارد. در این معنا، توسعه به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر

(ارزش مدار) است؛ اما لزوماً از میان ارزش ها، اولویتی را تعیین نمی کند. امکان دارد در طی دوره های بر اهداف آزادی و مساوات تأکید شود و زمانی دیگر، افزایش تولید و کاستن از فقر اولویت یابد. اگر توسعه را افزایش دامنه انتخاب های آگاهانه و تصرف فزاینده در محیط تعریف کنیم، آنگاه از برابر ساختن آن به تنهایی با رشد اقتصادی یا آزادی، یا عدالت دوری می کنیم. توسعه می تواند شامل: قابلیت انتخاب کردن یا نکردن افزایش خروجی ها، افزایش یافتن یا نیافتن سطح درآمد سرانه، هدایت قابلیت ها به سوی توزیع عادلانه تر یا به سوی ارزش های زیبایی شناسی یا انواع مختلفی از خروجی هایی باشد که از نظر کیفی و کمی متفاوت اند (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸)

۳-۱-۲- عوامل مؤثر بر حکمرانی خوب

از عوامل مهم مؤثر بر حکمرانی خوب می توان به موارد زیر اشاره داشت:

شفافیت: شفافیت میزان و نحوه دسترسی به اطلاعات به طور عادلانه است. از آنجایی که عدم شفافیت سازوکارهای تخصیص و توزیع مناسب منابع را با اختلال روبه رو می سازد باعث برهم خوردن تعادل در سیستم و ناکارآمدی سیستم خواهد شد (زهیری، ۱۴۰۲). همچنین بررسی ها نشان داد که بستر تقریباً تمامی ویژگی های حکمرانی خوب، به طور صریح و یا ضمنی، شفافیت است (میدری، ۱۳۹۵). شفافیت تلاش هدفمند برای دسترسی به اطلاعات قابل نشر قانونی به طریقی که صحیح، به هنگام، متعادل و بی ابهام باشد که برای افزایش توان استدلال عمومی و توانمندسازی سازمان ها در جهت مسئولیت پاسخگویی اقدامات، سیاست ها و روش های آن ها تعریف شده است (رولینز، ۲۰۰۸).

تمرکززدایی: مقصود از تمرکززدایی نیز توزیع و پراکنده ساختن قدرت سیاسی و اداری، تصمیم گیری و اجرای آن در میان نهادها، سازمان ها و ساختارهای مختلف مدنی در سطح ملی است (فروغی ابری و سهامی، ۱۳۹۳). تمرکززدایی را حرکتی از مرکز به سمت پیرامون می داند که باعث کاهش تدریجی درجه تمرکز و افزایش درجه عدم تمرکز است (آبیار و همکاران، ۱۳۹۶) هدف از تمرکززدایی انتقال مسئولیت برنامه ریزی، مدیریت، تخصیص منابع از دولت مرکزی به سازمان های پیرامونی آن از قبیل واحدهای وزارتخانه ها و سازمان های دولت مرکزی، سطوح پایین تر دولت مرکزی، مسئولین منطقه ای و یا سازمان های داوطلبانه یا خصوصی غیردولتی است (Rondelli, 1984). اقتصاددانان با استفاده از رویکرد انتخاب عقلانی استدلال می کنند که تمرکززدایی رقابت و کارایی را ارتقا می بخشد. به عقیده آنان فراهم کردن برخی خدمات عمومی زمانی به صورت موفقیت آمیز اتفاق می افتد که تعداد قابل توجهی از نهادهای محلی در آن دخیل باشند که این نیز نیازمند یک سیستم سیاسی غیرمتمرکز است (غفاری و رستم پور، ۱۳۹۹).

پاسخگویی: سیاست گذاران در سه بخش اصلی اداره امور جامعه باید در زمینه مسائل عمومی همانند منافع سازمانی و شهروندان و حامیان خود پاسخگو باشند. لذا چنین به نظر می رسد که پاسخگویی امری فقط مختص دولت نیست، بلکه در نگرش مبتنی بر حکمرانی خوب دو بخش دیگر اداره امور یعنی بخش خصوصی و نهادهای مدنی نیز ملزم به پاسخگویی در زمینه امور عمومی و همچنین مسائل خاص سازمانی خویش هستند. (نرگسیان،

۱۳۹۲). علاوه بر آن پاسخگویی فرصتی است برای افراد جامعه تا در مورد اینکه آیا تصمیم‌گیرندگان مسئول انجام امور توانسته‌اند به مسئولیت‌های محول به آن‌ها، جامه عمل بپوشانند یا نه اظهارنظر کنند. در سایه این فرصت افراد جامعه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم می‌توانند از مسئولین امور در قبال وظایف و مسئولیت‌هایی که به آن‌ها محول شده، انتظار پاسخگویی داشته باشند (Esty, 2006).

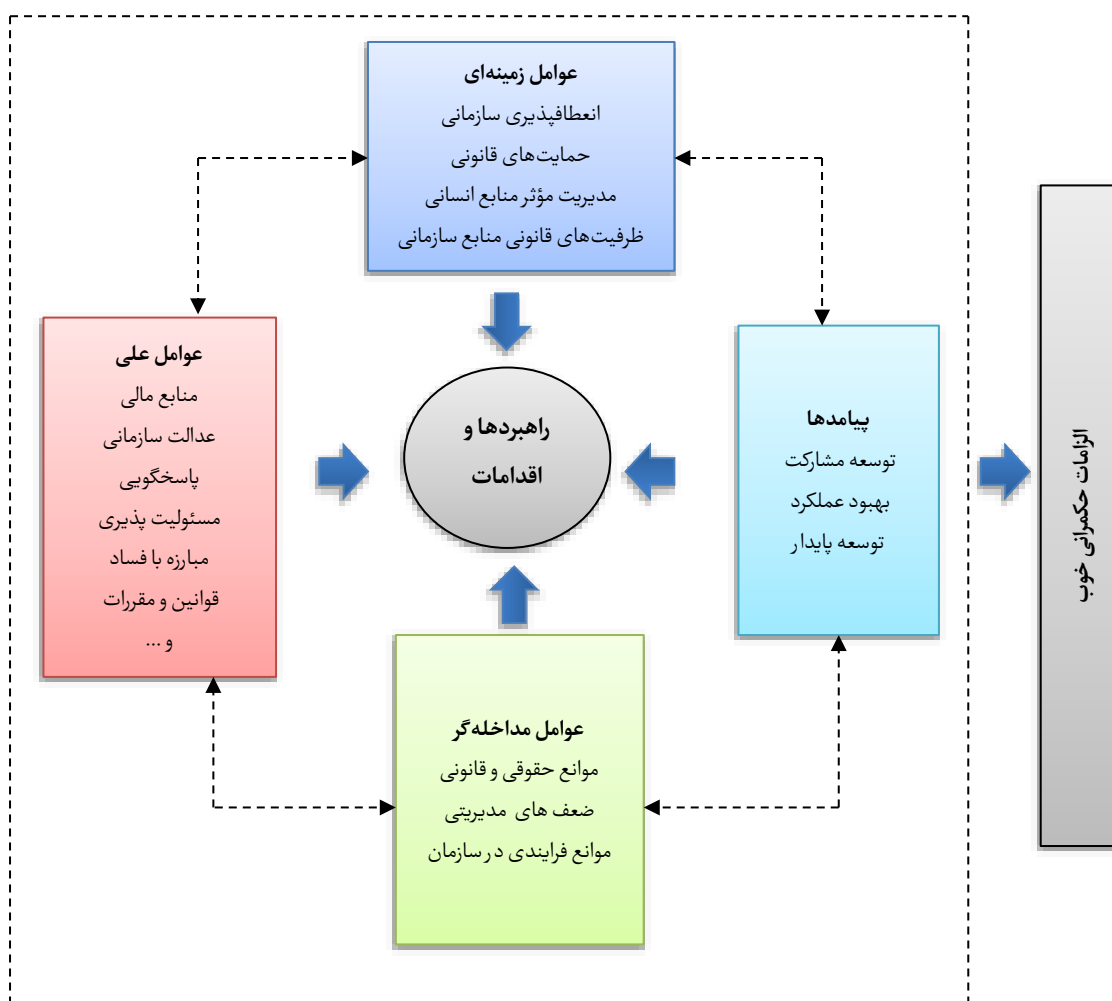
اثربخشی و کارایی: مفهومی که از شاخصه عملکرد استنباط می‌شود، به کارایی و اثربخشی حاکمیت مربوط می‌شود. این دو مفهوم به معنای استفاده صحیح از منابع تحت اختیار حاکمیت است. شاخص‌های عملکرد نیز دارای شش ملاک به شرح زیر است:

۱. اثربخشی در هزینه‌های انجام گرفته به اثربخشی در دستیابی به اهداف مربوط می‌شود؛
۲. صلاحیت؛ که این امر به توانایی مسئولان برمی‌گردد؛
۳. در اختیار گذاشتن اطلاعات کافی و بسنده برای همه افراد؛
۴. مدیریت توافقی که به توانایی مدیران و تربیتشان بستگی دارد؛
۵. بازنگری و ارزیابی در کارهای انجام گرفته؛
۶. مدیریت ریسک‌پذیری که به توانایی مدیریت در تشخیص مشکلات اجتماعی و آماده شدن برای حل آن برمی‌گردد (بیگی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱).

حاکمیت قانون: حاکمیت قانون در جامعه‌ای ظهور و استمرار می‌یابد که در آن مجموعه‌ای شناخته شده و مورد احترام از حقوق و همچنین حدود آن برای تمامی آحاد جامعه اعم از دولتمردان و مردم عادی، وجود داشته باشد و به رسمیت شناخته شده باشد. درواقع این مقوله از یکسو نیازمند پایبندی حاکمیت و شهروندان به این مجموعه هنجارها بوده تا نهایتاً شکل‌گیری حاکمیت قانون در یک جامعه عملی گردد؛ و از سوی دیگر وجهی دوجانبه داشته و مستلزم متقابل بودن و رعایت حقوق هر یک از طرفین از سوی دیگری است. (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳). بر این اساس و برای نیل به هدف فوق، کارایی حکومت تابعی از عملکرد متناسب در چارچوب قوانین مدون و مصرح به منظور رعایت انصاف و حفظ حقوق شهروندان و همچنین برخورداری از ظرفیت اقدام و کارگزاری‌های مشخص برای اعمال قوانین پیش‌گفته است (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲).

در این میان مسئله مهم آن است که برای شکل‌گیری حکمرانی خوب، شرایط جامعه همه به لحاظ شرایط علی و زمینه‌ای، هم به لحاظ شرایط مداخله‌گر تغییر یابد. عواملی که روی اجرای حکمرانی مطلوب تأثیرگذارند، اصلاح قوانین بالادستی، حاکمیت علمی به جای تصدی‌گری و شفافیت و پاسخگویی در سیاست‌گذاری، واکنش غیر منفعلانه به روند تغییرات و تحولات بین‌المللی، استفاده از مسئولان مقتدر و ... است. به علاوه عواملی که در مسیر تحقق و اجرای حکمرانی خوب مداخله ایجاد می‌کند شامل ضعف نهادی و ساختاری در سیاست‌گذاری، عدم استفاده از مدیران شایسته و قدرتمند در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، تعدد سازمان‌های موازی و تصمیم‌گیر و مشارکت ضعیف و غیر سازنده کنشگران از بخش‌های مختلف، تقابل حکمرانی درونی و بیرونی و ... است. عوامل

سیاسی، اقتصادی و مالی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی، قانونی و کیفیت قوانین و مقررات و عوامل بین‌المللی نیز جزء شرایط زمینه‌ای لازم برای پیاده‌سازی حکمرانی خوب هستند (فطانت فرد حقیقی و همکاران، ۱۴۰۰). لذا حکمرانی خوب به عنوان پدیده موردنظر تحت تأثیر مجموعه شرایط مزبور، ایجاد، تقویت یا از میان می‌رود؛ اما راهبرها و تعاملاتی که در نتیجه مجموعه عوامل و شرایط فوق اتخاذ می‌شود؛ از الزامات آن محسوب می‌شود.



نمودار ۱. ارتباط بین عوامل زمینه‌ای، مداخله‌گر، علی، راهبردی و پیامدها با حکمرانی خوب

منبع: نیکزاد و همکاران، ۱۳۹۹

۲-۲- پیشینه پژوهش

۲-۲-۱- مطالعات خارجی

اسیک و همکاران (۲۰۲۴) به بررسی اثرگذاری حاکمیت شرکتی خوب یا مسئولیت اجتماعی شرکت بر ارزش و عملکرد شرکت پرداختند. برای این منظور، به بررسی شواهد تجربی در مورد شاخص‌های اصلی حاکمیت شرکتی پرداخته‌اند که بر عملکرد و ارزش شرکت در طول همه‌گیری کووید-۱۹ و در دوران عادی جدید تأثیر می‌گذارند. جامعه آماری این مطالعه شامل تمام شرکت‌های سهامی عام فهرست شده در بورس اوراق بهادار اندونزی و فهرست شده در بورس اوراق بهادار تایوان است. کل داده‌های مورد استفاده در این مطالعه ۱۶۲ مشاهده است. تجزیه و تحلیل داده‌های انجام شده در این مطالعه از روش رگرسیون چندگانه بوده است. نتایج تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که متغیرهای مالکیت مدیریتی، مالکیت نهادی، نسبت اعضای هیئت مدیره و اندازه کمیته حسابرسی هیچ تأثیری بر عملکرد و ارزش شرکت ندارند. درحالی‌که مشخص شد متغیر اندازه هیئت مدیره و اجرای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بر عملکرد و ارزش شرکت تأثیر دارند.

منصور و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت در دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۱۹ با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری پرداخته است. این مطالعه از ویژگی‌های خاص شرکت برای نمایش ساختار سرمایه استفاده می‌کند تا نقش آن را به عنوان یک متغیر تعدیل کننده در رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت ارزیابی کند. نتایج دارای پیامدهای مدیریتی مهمی برای عملکرد حاکمیت شرکتی در کشورهای در حال توسعه است. شرکت‌ها در کشورهای در حال توسعه می‌توانند با اجرا و رعایت شیوه‌های حاکمیت شرکتی خوب، عملکرد را بهبود بخشند. علاوه بر این، شرکت‌ها در کشورهای در حال توسعه باید استراتژی‌های مالی مؤثری را در مورد ساختار سرمایه اتخاذ کنند تا رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت را افزایش دهند.

تهجدی و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی خوب بر عملکرد پایداری شرکتی با استفاده از رویکرد خط مشی سه‌گانه در یک سیستم GCG دولایه پرداختند. ۱۱۷ نمونه داده از صورت‌های مالی، گزارش‌های سالانه و گزارش‌های پایداری شرکت‌های غیرمالی فهرست شده در بورس اوراق بهادار اندونزی برای دوره ۲۰۱۳-۲۰۱۷ جمع‌آوری شد. از تحلیل رگرسیون چندگانه برای آزمون فرضیه‌های مورد مطالعه با نتایج زیر استفاده شد. اول، تحصیلات تأثیر منفی بر عملکرد پایداری اقتصادی و زیست محیطی دارد و هیچ تأثیری بر عملکرد پایداری اجتماعی ندارد. دوم، اندازه هیئت مدیره تأثیر مثبتی بر عملکرد پایداری اقتصادی دارد، تأثیر منفی بر عملکرد پایداری اجتماعی دارد و هیچ تأثیری بر عملکرد پایداری زیست محیطی ندارد. سوم، تحصیلات مدیرعامل تأثیر منفی بر عملکرد پایداری اقتصادی دارد و هیچ تأثیری بر عملکرد پایداری زیست محیطی و اجتماعی ندارد. چهارم، اندازه هیئت مدیره تأثیر منفی بر عملکرد پایداری اقتصادی و زیست محیطی دارد و هیچ تأثیری بر عملکرد پایداری اجتماعی ندارد.

رهنوائی و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر نقش حاکمیت شرکتی خوب و مسئولیت اجتماعی شرکت بر ارزش شرکت با سودآوری به عنوان متغیر تعدیل کننده پرداختند. جامعه آماری شرکت‌های تولیدی فهرست شده در شاخص SRIKEHATI در دوره زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ است، درحالی‌که موضوع تحقیق ۱۰ شرکت است. تمام متغیرهای داده‌های تحقیق از طریق داده‌های ثانویه دقیقاً از

بورس اوراق بهادار اندونزی و وبسایت شرکت جمع‌آوری شدند. تجزیه و تحلیل آماری داده‌های تحقیق از تحلیل رگرسیون متوسط با معناداری مطابق با خروجی SPSS 20 استفاده کرد. یافته‌ها نشان داد که مالکیت مدیریتی تأثیر مثبت و معناداری بر ارزش شرکت دارد، مالکیت نهادی تأثیر مثبت و معناداری بر ارزش شرکت دارد، اعضای هیئت مدیره تأثیر مثبت و معناداری بر ارزش شرکت دارند و مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر منفی و بی‌معنایی بر ارزش شرکت دارد. متغیر سودآوری، مالکیت مدیریتی، مالکیت نهادی و مسئولیت اجتماعی شرکت را بر ارزش شرکت تعدیل می‌کند، اما نمی‌تواند تأثیر اعضای هیئت مدیره را بر ارزش شرکت تعدیل کند.

ابوریشه و ال سعید (۲۰۱۲) به تحلیل رابطه بین شیوه‌های خوب حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اردن پرداختند. برای این کار ۱۶۰ پرسشنامه بین حسابرسان خارجی مرتبط، اعضای متخصص کمیته‌های حسابرسی و نهادهای نظارتی اردن که بر گزارشگری شرکتی آن شرکت‌ها نظارت دارند، از جمله کمیسیون اوراق بهادار اردن، کمیسیون بیمه و بانک مرکزی اردن، توزیع شد. نتایج تحقیق نشان داد که شیوه‌های خوب حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد، استقلال به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده موفقیت کیفیت گزارشگری مالی در نظر گرفته می‌شود.

۲-۲-۲- مطالعات داخلی

رهبری (۱۴۰۲) به بررسی حکمرانی خوب و الزامات سازه‌ای شفافیت (با تأکید بر اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران) پرداخته است. پرسش تحقیق وی این است که شفافیت در ایران با چه چالش‌هایی روبه‌روست و راه حل ارتقای شفافیت کدام است؟ در حال حاضر به رغم وجود الزامات سازه‌ای شفافیت در اسناد بالادستی، نبود ترتیبات نهادی مانند ابهام در سامانه‌های سیاسی، شکاف میان قوانین و اقدامات دولتی، پایین بودن ضریب پاسخ‌گویی نظام سیاسی، پایین بودن ضریب اعتماد عمومی به کارآمدی دولت، ضعف در نهادمندی سیاسی و نبود نهادهای مدنی فعال، بوروکراسی غیر شفاف و دشواری دسترسی به اطلاعات، وجود نهادهای نظارتی ناکارآمد و وجود ابهام و پیچیدگی در قوانین و مقررات، به کاهش شفافیت انجامیده و در نتیجه زمینه‌های گسترش فساد را فراهم ساخته است.

دژبرد و قرونه (۱۴۰۲) به احصاء الگوی تجربه کشورهای مختلف در حکمرانی آموزش عالی پرداخته و سعی کردند تا از دل این تجارب، الگوهای غالب برای حکمرانی در آموزش عالی شناسایی گردد. پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش مطالعه اسنادی-کتابخانه‌ای صورت گرفت. در نتیجه تحلیل محتوای تجارب حکمرانی در آموزش عالی چهار مقوله اصلی استخراج شد. الگوهای حکمرانی دانشگاهی در تجارب جهانی (الگوهای دولت‌محور، خودراهبری دانشگاهی و بازار محور)، عوامل مؤثر بر حکمرانی آموزش عالی (عوامل زمینه‌ساز بر شکل‌گیری حکمرانی دانشگاه‌ها، عوامل مداخله‌گر در حکمرانی دانشگاه‌ها)، نتایج و پیامدهای حکمرانی در آموزش عالی (پیامدهای فردی، محیطی، سازمانی) و دانشجویان در حکمرانی آموزش عالی (حوزه‌های مشارکت دانشجویان و سطوح مشارکت دانشجویان).

صمدزاد (۱۴۰۲) به بررسی الزامات پاسخگویی و شفافیت در حکمرانی خوب در استان آذربایجان شرقی پرداخته است. در این پژوهش از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. نتایج حاصل از یافته‌ها نشان می‌دهد چرخش آزاد اطلاعات؛ اصلاح نظام

قانون‌گذاری، توسعه نهادمندی سیاسی، استفاده از تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات، دولت الکترونیک، مکانیسم‌های نظارتی، تعیین دقیق نقش‌ها و مسئولیت‌ها و اطلاع از قوانین و مقررات از جمله الزامات پاسخگویی و شفافیت در حکمرانی مطلوب است. قیاسی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی نقش فناوری اطلاعات و دولت الکترونیک و تأثیر آن در ارتقای شاخص‌های حکمرانی صالح پرداختند جامعه آماری پژوهش ۳۷۵ نفر از کارکنان سازمان اداری و استخدامی ایران است که با محاسبه نمونه به روش کوکران با خطای ۵ درصد، تعداد ۱۸۹ پرسشنامه توزیع شد. فرضیه پژوهش این است که دولت الکترونیک با استفاده از ابزار فناوری اطلاعات ضمن تأثیر در ارتقای شاخص‌های حکمرانی صالح، باعث بهبود عملکرد سازمان اداری و استخدامی کشور خواهد شد. یافته‌های پژوهش گویای جدید بودن و حاکمی از آن است که بین میزان استقرار دولت الکترونیک و ارتقای شاخص‌های حکمرانی صالح در نظام مدیریتی سازمان مذکور ارتباط معناداری وجود دارد.

فطانت‌فرد حقیقی و همکاران (۱۴۰۰) به طراحی الگوی حکمرانی خوب در نظام آموزش عالی پرداختند. نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها طی فرایند کدگذاری باز، محوری و انتخابی و همچنین با توجه به شرایط علی، زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای حکمرانی مطلوب تبیین و الگوی نهایی ارائه گردید. همچنین برای اعتباریابی مدل از مدل ۱۰ معیار مقبولیت و معیار کثرت‌گرایی استفاده گردید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ترسیم الگوی مطلوب آموزش عالی بر راهبردهایی نظیر تمرکززدایی، مهندسی مجدد ساختارها و فرایندها، مشارکت ذینفعان و تفویض اختیار به دانشگاه‌ها، وابسته خواهد بود و انتظار است پیامدهایی نظیر پرورش انسان شایسته در سیستم آموزش عالی، همسویی و یکپارچگی میان نهادهای متعدد تصمیم‌گیر، تحقق رسالت‌های اصیل آموزش عالی و جاری شدن ابعاد حکمرانی خوب در آموزش عالی و (به واسطه نقش تربیتی و هدایتگری آموزش عالی) در سطح جامعه تحقق یابد.

نیکزاد و همکاران (۱۳۹۹) به طراحی الگوی سیستمی حکمرانی خوب در سازمان تأمین اجتماعی پرداختند. روش پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش آمیخته اکتشافی (تلفیقی از روش‌های کیفی و کمی) است. جامعه آماری تحقیق در بخش کیفی شامل خبرگان و کارگزاران دولت مرتبط با تأمین اجتماعی استان مازندران با سابقه مدیریت و سیاست‌گذاری است؛ و در بخش کمی جامعه آماری شامل ذینفعان (شامل کارکنان، مستمری بگیران و بیمه شدگان تأمین اجتماعی)، بخش خصوصی (کارفرمایان) و کارگزاران دولت مرتبط با تأمین اجتماعی استان مازندران است. نتایج نشان داد. ابعاد حکمرانی خوب در سازمان تأمین اجتماعی در پنج بعد عوامل علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، عوامل راهبردی و پیامدها تقسیم‌بندی شدند که شامل مولفه‌های عدالت سازمانی و منابع مالی (ورودی) هستند.

عبداللهی و موسوی امیری (۱۳۹۸)، به واکاوی نقش اخلاق حرفه‌ای در حکمرانی دانشگاهی پرداختند. نتایج حاصل از یافته‌ها نشان داد با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با اتکا به نتایج پژوهش‌های قبلی و اسناد علمی و همچنین بررسی و مطالعه همه جانبه پرداخته شود تا اهمیت جایگاه اخلاق حرفه‌ای بیش از پیش در اداره و حکمرانی دانشگاه تبیین شود. در ادامه پس از مطالعه کتب و منابع و اسناد علمی و مدارک موجود به جمع‌آوری، گزینش، تلخیص و دسته‌بندی مطالب اقدام شده است. سپس مطالب در جهت دستیابی به پرسش‌های پژوهش سامان‌دهی شده است. ابزار پژوهش نیز شامل فیش‌برداری بوده و داده‌های حاصل نیز در راستای هدف و سؤال‌های پژوهش با استفاده از مدارک جمع‌آوری شده طبقه‌بندی و تحلیل شد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر کاربردی است. روش مطالعه پژوهش حاضر کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و محتوای مطالب و همچنین از روش‌های میدانی نظیر پرسشنامه و مصاحبه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. پژوهش از نظر جمع‌آوری اطلاعات از نوع توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است. همچنین از آنجایی که با توجه به روش خاص گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها این تحقیق از دو مرحله کیفی و کمی تشکیل شده است، بنابراین ماهیت پژوهش جزء پژوهش‌های ترکیبی است. در نهایت نیز پژوهش به لحاظ استدلال از نوع استقرایی (میدانی) است. در مرحله کیفی تحقیق با استفاده از بررسی ادبیات موضوعی و مصاحبه با خبرگان، مدیران و کارشناسان سازمان‌های ذینفع، مؤلفه‌های تحقق‌پذیری حکمرانی خوب در سازمان‌های علمی و فناوریانه شناسایی و سپس در مرحله کمی تحقیق، مؤلفه‌های شناسایی شده، مورد ارزیابی قرار گرفت.

- ابزار جمع‌آوری اطلاعات

در بخش اول تحقیق که هدف طراحی و تبیین مؤلفه‌های تحقق‌پذیری حکمرانی خوب در سازمان‌های علمی و فناوریانه بوده است، به منظور گردآوری اطلاعات از روش مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی (کتاب و مقالات انگلیسی و فارسی، پایان‌نامه‌ها و سایت‌های معتبر، داده‌های موجود در اسناد و مدارک سازمانی و...) و نتایج به دست آمده از مصاحبه با خبرگان، مدیران و کارکنان و ذینفعان موضوع تحقیق استفاده گردید. ابزار گردآوری داده‌ها در این مرحله، مصاحبه و جامعه آماری پژوهش در مرحله کیفی شامل اساتید دانشگاهی، مدیران، کارشناسان و خبرگان و ذینفعان شاغل در مراکز رشد، دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، خبرگان حوزه حکمرانی آموزش عالی، مدیران بخش سیاست‌گذاری و... بوده است. بدین منظور ابتدا فهرستی مدون از سازمان‌ها و خبرگان و مدیران و کارکنان ویژه در سازمان‌های علمی و فناوریانه گردآوری شده و برخی از این افراد به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. با توجه به ماهیت روش تحقیق تحلیل محتوای کیفی، در مرحله اول پژوهش حاضر حجم نمونه از پیش تعیین نمی‌شود و نمی‌تواند از آغاز مطالعه به طور تفصیلی برنامه‌ریزی شود، بلکه در ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، افرادی برای نمونه انتخاب می‌شوند که برای ارائه اطلاعات مورد نیاز در بهترین موقعیت قرار دارند. بدین منظور طیفی از جامعه آماری را از طریق "مصاحبه" مخاطب قرار داده و سپس با استفاده از نمونه‌گیری نظری تا مرحله اشباع نظری ادامه دادیم. در روش نمونه‌گیری هدفمند مصاحبه تا زمانی ادامه پیدا نمود که پاسخ‌های نفر آخر با نفر اول یکی شود. به عبارتی دیگر، مصاحبه تا جایی صورت گرفت که پژوهشگر در پاسخ به سؤالات به اشباع تئوریک رسید. به گونه‌ای که هر چه به مصاحبه‌های آخر نزدیک‌تر شدیم، اطلاعات جدید اضافی مرتبط با موضوع کمتر به چشم خورد و مطالب تکمیل‌کننده‌ای به اجزای تشکیل‌دهنده تئوری افزوده نشد. لذا در این راستا از روش نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع استفاده گردید. حداقل تعداد نمونه در این مرحله برابر ۱۰ نفر بود. در بخش دوم تحقیق که طراحی و تبیین مؤلفه‌های تحقق‌پذیری حکمرانی خوب در سازمان‌های علمی و فناوریانه بود، از ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز استفاده گردید. ابزار گردآوری داده‌ها در این مرحله، پرسشنامه محقق ساخته بود. جامعه آماری در مرحله کمی تحقیق نیز به صورت روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، انتخاب گردید. برای محاسبه حجم نمونه در مرحله کمی تحقیق از فرمول کوکران استفاده گردید و بعد از تعیین دقیق تعداد جامعه آماری، تعداد نمونه آماری

مشخص گردید. حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران به شرح زیر، ۳۸۴ نفر به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی تحقیق با استفاده از نرم افزار MAXQDA با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل تماتیک یا موضوعی شش مرحله‌ای کلارک صورت گرفته است. تحلیل شش مرحله‌ای کلارک به شرح زیر است:

- آشنایی پژوهشگر با داده‌های جمع‌آوری شده
- ایجاد کدهای اولیه
- جستجوی شاخص‌ها
- بازبینی شاخص‌ها
- تعریف و نام‌گذاری شاخص‌ها

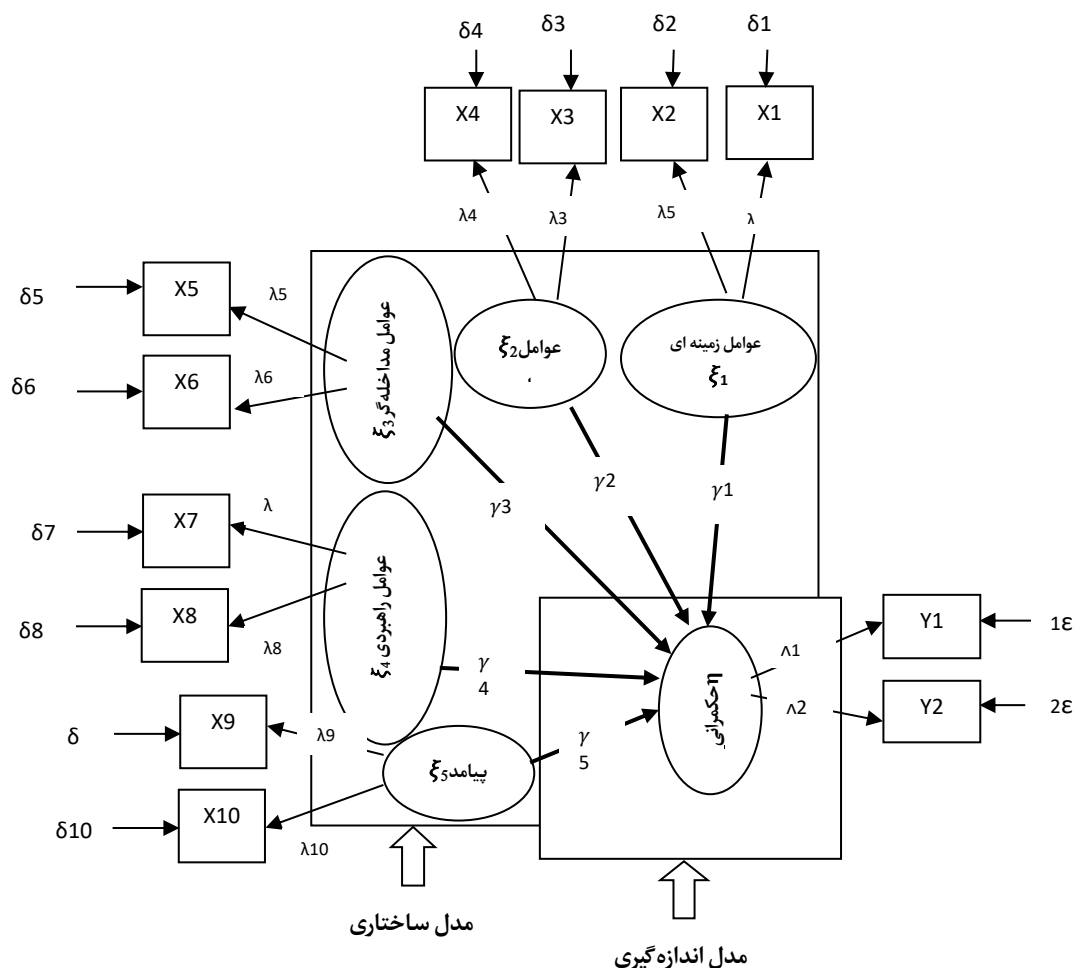
گویه‌های حاصل از ادبیات تحقیق، مصاحبه با خبرگان، مدیران، کارشناسان و ذینفعان و ... و انجام کدگذاری باز و محوری تحلیل تماتیک به شرح زیر است:

جدول ۱. گویه‌های تحقیق

متغیر	گویه‌ها
عوامل علی	اصلاح قوانین بالادستی
	حاکمیت علمی به جای تصدی‌گری
	شفافیت و پاسخگویی در سیاست‌گذاری
عوامل زمینه‌ای	تورم و تحریم‌های اقتصادی
	وجود نظام اطلاعات آزاد
	حاکمیت اخلاق در نظام علم و فناوری
	قوانین و کیفیت مقررات حوزه علم و فناوری
عوامل مداخله‌گر	ضعف نهادی و ساختاری در سیاست‌گذاری
	عدم استفاده از مدیران شایسته و قدرتمند در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری
	تعدد سازمان‌های موازی و تصمیم‌گیر
	مشارکت ضعیف و غیرسازنده کنشگران از بخش‌های مختلف
عوامل راهبردی	بحران ارتباطات غیررسمی میان کنشگران
	مهندسی مجدد ساختارها و فرایندها
	تحقق و توسعه مشارکت همه ذینفعان
	توسعه نهادمندی سیاسی
پیامدها	افزایش چابکی سازمانی
	جذب و نگهداری نیروهای متخصص و حرفه‌ای
	توسعه ظرفیت‌های آموزشی
	تحقق رسالت مأموریت‌های نظام علم و فناوری
	انصاف و برابری در ارتقا نیروها و شایسته‌گزینی
	تقویت ارتباطات مؤثر با جامعه مدنی

منبع: یافته‌های تحقیق

در بخش کمی تحقیق نیز با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری و نرم افزار PLS صورت گرفته است. مدل معادلات ساختاری مدل نظری فرض شده به وسیله پژوهشگر را به صورت کمی، آزمون می کند و رابطه بین متغیرهای مشاهده شده را نشان می دهد. مدلهایی که فرض می کنند چطور مجموعه ای از متغیرها یک سازه را تعریف می کند و چطور این سازه ها به هم مرتبط می شوند، در مدل معادلات ساختاری قابل آزمون است. هدف مدل معادلات ساختاری این است که تعیین کند مدل نظری به وسیله نمونه ای از داده ها حمایت می شود. اگر داده ها مدل نظری را مورد حمایت قرار دادند می توان مدل های نظری پیچیده تری را ارائه کرد و اگر داده ها مدل نظری را حمایت نکردند باید مدل را اصلاح و دوباره آزمود یا مدل نظری دیگری برای آزمودن پیشنهاد کرد. دیاگرام مدل سازی معادلات ساختاری برای مدل در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار ۲. دیاگرام معادلات ساختاری برای الگوی سامانمند حکمرانی خوب در سازمان های علمی و فناوریانه

تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق و مؤلفه‌های آن

حکمرانی خوب: به مجموعه‌ای از اصول، سیاست‌ها، فرایندها و نهادهایی گفته می‌شود که به واسطه آن‌ها، یک سازمان، چه دولتی و چه غیردولتی، به صورت مؤثر، کارآمد، شفاف و پاسخگو اداره می‌شود. هدف از حکمرانی خوب، ایجاد محیطی است که در آن حقوق همه ذینفعان رعایت شده و منافع آن‌ها به طور عادلانه تأمین شود. به بیان ساده‌تر، حکمرانی خوب یعنی اداره کردن درست و اصولی یک سازمان یا کشور، به طوری که همه چیز شفاف و عادلانه باشد و همه افراد جامعه از آن بهره‌مند شوند. حکمرانی خوب شامل مؤلفه‌های پاسخگویی، شفافیت، اثربخشی، عدالت و شمول، اجماع‌گرایی و ... است.

عوامل زمینه‌ای: عوامل زمینه‌ای در حکمرانی به مجموعه‌ای از شرایط، ویژگی‌ها و عواملی گفته می‌شود که بر نحوه اجرای حکمرانی و نتایج آن تأثیر می‌گذارند. این عوامل می‌توانند شامل جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی، تاریخی و ... باشند. مؤلفه‌های آن شامل تورم و تحریم‌های اقتصادی، وجود نظام اطلاعات آزاد، حاکمیت اخلاق در نظام علم و فناوری و قوانین و کیفیت مقررات حوزه علم و فناوری است. درک این عوامل زمینه‌ای برای طراحی و اجرای سیاست‌های مؤثر و دستیابی به حکمرانی خوب ضروری است.

عوامل راهبردی: عوامل راهبردی در حکمرانی، مجموعه‌ای از تصمیمات، سیاست‌ها و اقداماتی هستند که توسط رهبران و مدیران دولتی برای دستیابی به اهداف بلندمدت و بهبود عملکرد نظام حکمرانی اتخاذ می‌شوند. این عوامل بر چگونگی هدایت و مدیریت منابع، تعیین اولویت‌ها، ایجاد هماهنگی بین بخش‌های مختلف و مواجهه با چالش‌ها و فرصت‌ها تأثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر، عوامل راهبردی به تعیین مسیر و چگونگی رسیدن به حکمرانی خوب کمک می‌کنند. مؤلفه‌های آن شامل ضعف نهادی و ساختاری در سیاست‌گذاری، عدم استفاده از مدیران شایسته و قدرتمند در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، تعدد سازمان‌های موازی و تصمیم‌گیر و مشارکت ضعیف و غیر سازنده کنشگران از بخش‌های مختلف است.

عوامل مداخله‌گر: عوامل مداخله‌گر در حکمرانی به مجموعه‌ای از نیروها، شرایط و پدیده‌های داخلی و خارجی اشاره دارند که می‌توانند بر فرایند تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌ها در یک نظام حکمرانی تأثیر منفی بگذارند و کارآمدی و اثربخشی آن را کاهش دهند. این عوامل می‌توانند از جهات مختلفی سرچشمه بگیرند و در سطوح گوناگون، از سطح فردی و سازمانی تا سطح ملی و بین‌المللی، اثرگذار باشند. مؤلفه‌های آن شامل ضعف نهادی و ساختاری در سیاست‌گذاری، عدم استفاده از مدیران شایسته و قدرتمند در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، تعدد سازمان‌های موازی و تصمیم‌گیر و مشارکت ضعیف و غیر سازنده کنشگران از بخش‌های مختلف است.

عوامل علی: عوامل علی در حکمرانی، به مجموعه‌ای از شرایط، سیاست‌ها و نهادها اشاره دارند که وجود آن‌ها می‌تواند به ایجاد یک نظام حکمرانی خوب و کارآمد کمک کند. این عوامل، زیربنای یک حکمرانی شایسته را تشکیل می‌دهند و می‌توانند تأثیرات مثبت گسترده‌ای بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک کشور داشته باشند. درواقع، این عوامل،

علت‌های اصلی شکل‌گیری و پایداری یک نظام حکمرانی موفق هستند. مؤلفه‌های آن شامل اصلاح قوانین بالادستی، حاکمیت علمی به جای تصدی‌گری و شفافیت و پاسخگویی در سیاست‌گذاری است.

پیامدها: پیامدها در حکمرانی به نتایج و اثراتی اطلاق می‌شوند که ناشی از تصمیمات، سیاست‌ها، عملکردها و اقدامات دولت‌ها و سایر نهادهای حکومتی هستند. این پیامدها می‌توانند مثبت یا منفی، کوتاه‌مدت یا بلندمدت، مستقیم یا غیرمستقیم باشند و بر جنبه‌های مختلف زندگی مردم و جامعه تأثیر بگذارند. درک و ارزیابی دقیق پیامدها در حکمرانی برای بهبود عملکرد دولت‌ها، افزایش کارآمدی سیاست‌ها و پاسخگویی به نیازهای جامعه ضروری است. مؤلفه‌های آن شامل افزایش چابکی سازمانی، جذب و نگهداری نیروهای متخصص و حرفه‌ای، توسعه ظرفیت‌های آموزشی، تحقق رسالت مأموریت‌های نظام علم و فناوری، انصاف و برابری در ارتقا نیروها و شایسته‌گزینی و تقویت ارتباطات مؤثر با جامعه مدنی است.

بررسی روایی و پایایی

به دلیل استفاده از پرسشنامه جهت جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش، باید روایی و پایایی هر یک از پرسشنامه‌ها مورداندازه‌گیری قرار گیرد.

روایی صوری

بررسی و تعیین روایی صوری بخش کیفی در یک پانل ۱۰ نفره تخصصی با حضور متخصصین و کارشناسان برای یافتن سطح دشواری، میزان عدم تناسب، ابهام عبارات و یا وجود نارسایی در معانی کلمات انجام و نظرات آنان به صورت تغییراتی جزئی در پرسشنامه اعمال گردید. بدین صورت که از متخصصین حوزه مربوطه درخواست گردید پس از مطالعه دقیق ابزار، دیدگاه‌های اصلاحی خود را به صورت کتبی ارائه نمایند. پس از جمع‌آوری نظرات متخصصین، تغییرات لازم در ابزار موردتوجه قرار گرفت. سپس برای ارزیابی کمی، روایی محتوا و جهت اطمینان از این که مهم‌ترین و صحیح‌ترین محتوا (ضرورت سؤال) انتخاب شده است، نسبت روایی محتوا (CVR) استفاده گردید.

روایی محتوایی (CVR)^۱

هدف از این نوع ارزیابی پاسخ به این سؤال است که آیا محتوای ابزار، قابلیت اندازه‌گیری هدف تعریف شده را دارد یا خیر؟ درواقع روایی محتوایی اشاره به حد و میزانی دارد که یک ابزار منعکس‌کننده محتوای مشخص موردنظر باشد. در این مطالعه جهت بررسی روایی گویه‌های مربوط به مؤلفه‌های تحقق‌پذیری حکمرانی خوب از روایی محتوایی استفاده شد. بدین صورت که برای ایجاد روایی محتوایی، پس از مرور ادبیات موضوعی تحقیق و حوزه مورد مطالعه و مصاحبه با مدیران و کارشناسان متخصص، "دامنه محتوا و آیتم‌های ساخت"، تدوین شد. سپس از پانل محتوا (شامل ۱۰ نفر از متخصصان) خواسته شد تا این آیتم‌های ساخت را تکمیل نمایند. درنهایت با توجه به رابطه زیر نسبت روایی محتوایی محاسبه گردید. در این رابطه N تعداد کل پانل‌ها و n_e تعداد پانل‌هایی است که پاسخ ضروری دادند.

$$CVR = \frac{n_e - N/2}{N/2}$$

بر اساس تعداد خبرگانی که سؤالات را مورد ارزیابی قرار داده‌اند، حداقل مقدار CVR قابل قبول بایستی ۰/۸۲ باشد. سؤالاتی که مقدار CVR کمتر از ۰/۷۸ باشد بایستی از آزمون کنار گذاشته شوند. به علت اینکه بر اساس CVR به دست آمده، روابی قابل قبولی ندارند. در پژوهش حاضر مقدار CVR برای تمام متغیرها بالای ۰/۷۸ به دست آمد.

تعیین پایایی (قابلیت اعتماد) ابزار اندازه‌گیری

پایایی (قابلیت اعتماد) میزان توانایی یک وسیله اندازه‌گیری برای حفظ ثبات خود در طول زمان است. از آنجایی که در اغلب مطالعات از روش آلفای کرونباخ (به دلیل قابلیت اعتبار و اعتماد بالای آن) جهت بررسی پایایی پرسشنامه استفاده می‌شود، در تحقیق حاضر از روش آلفای کرونباخ برای تعیین پایایی پرسشنامه استفاده شد. حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص آلفای کرونباخ ۰/۷ است که در پژوهش حاضر نیز مقدار آلفای کرونباخ عددی برای تمام متغیرها بالای ۰/۷ است.

۴- نتایج و تحلیل یافته‌های تحقیق

۴-۱- آزمون نرمالیتی اسمیرنوف-کلموگروف

برای آزمون نرمال بودن متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده می‌شود تا از نرمال بودن داده‌ها اطمینان حاصل گردد. هنگام بررسی نرمال بودن داده‌ها فرض صفر مبتنی بر اینکه توزیع داده‌ها نرمال است را در سطح خطای ۵ درصد آزمون می‌شود؛ بنابراین اگر آماره آزمون بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۰۵ به دست آید، در این صورت دلیلی برای رد فرض صفر مبتنی بر اینکه داده نرمال است، وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر توزیع داده‌ها نرمال خواهد بود. نتایج در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۲. آزمون نرمالیتی اسمیرنوف-کلموگروف

متغیرها	اسمیرنوف-کلموگروف	Sig	نتیجه
عوامل علی	۷۸۳	۰/۱۴۹	توزیع داده نرمال است.
عوامل زمینه‌ای	۷۳۶	۰/۰۸۲	توزیع داده نرمال است.
عوامل مداخله‌گر	۷۹۰	۰/۱۶۲	توزیع داده نرمال است.
عوامل راهبردی	۷۳۱	۰/۰۶۳	توزیع داده نرمال است.
پیامدها	۷۸۸	۰/۱۴۴	توزیع داده نرمال است.

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون بالا نشان داد که توزیع داده‌ها به صورت نرمال است.

در جدول زیر نتایج حاصل از شاخص KMO و آزمون بارتلت روی شاخص‌های موجود و شناسایی شده برای متغیرهای مدل پژوهش را می‌توان مشاهده کرد.

جدول ۳. نتایج آزمون KMO و آزمون بارتلت

نتایج	آزمون
۰/۸۱۴	ضریب کفایت نمونه‌گیری (KMO)
۶۵۶۹۸۹/۰۱۸	کای اسکوتر
۴۴۷۰	درجه آزادی
۰/۰۰۱	سطح معناداری

منبع: یافته‌های تحقیق

طبق نتایج به دست آمده، شاخص KMO بزرگ‌تر از ۰/۶ بوده و مقادیر تقریباً نزدیک به یک را نشان می‌دهد که حاکی از کفایت حجم نمونه بر اساس شاخص‌های شناسایی شده برای تحلیل عاملی بود. سطح معنی داری ۰/۰۰۱ برای آزمون بارتلت نیز نشان‌دهنده مناسب بودن متغیر پژوهش برای تحلیل عاملی بود.

سازگاری درونی مدل‌های اندازه‌گیری

به منظور بررسی سازگاری درونی مدل‌های اندازه‌گیری از شاخص پایایی مرکب (CR) استفاده می‌شود. در جدول زیر این شاخص برای تمامی متغیرهای تحقیق در سه گروه مورد مطالعه نشان داده شده است. مقادیر بالای ۰/۷ نشان‌دهنده سازگاری درونی مدل‌های اندازه‌گیری است. مقدار این شاخص برای تمامی متغیرهای تحقیق بالای ۰/۷ است. به منظور سنجش انسجام یا همسانی درونی متغیرهای مشاهده‌پذیر هر متغیر پنهان نیز از آلفای کرونباخ استفاده می‌شود. مقدار قابل قبول برای این شاخص ۰/۷ به بالا است. مقدار آلفای کرونباخ برای کلیه متغیرها عدد ۰/۷ به بالا است. همچنین برای بررسی میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود از میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده می‌شود. درواقع AVE را نشان می‌دهد که هرچه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. فورنل و لارکر معتقدند روایی همگرا زمانی وجود دارد که AVE از ۰/۵ بزرگ‌تر باشد.

جدول ۴. شاخص پایایی مرکب، آلفای کرونباخ و میانگین واریانس اشتراکی

متغیرها	شاخص پایایی مرکب	شاخص آلفای کرونباخ	شاخص میانگین واریانس اشتراکی
عوامل علی	۰/۸۹۹	۰/۹۲۷	۰/۶۹۹
عوامل زمینه‌ای	۰/۸۵۲	۰/۷۲۲	۰/۷۱۴
عوامل مداخله‌گر	۰/۸۱۴	۰/۷۴۱	۰/۶۳۸
عوامل راهبردی	۰/۷۵۸	۰/۸۷۹	۰/۶۸۲
پیامدها	۰/۸۵۰	۰/۸۹۲	۰/۶۰۶

منبع: یافته‌های تحقیق

نیکوئی برازش مدل

برای بررسی نیکوئی برازش مدل، از معیار GOF^1 استفاده شده است. طبق نتایج معیار GOF برای متغیرهای تحقیق ۰/۸۹ است. با توجه به اینکه سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است، حصول مقدار فوق برای متغیرهای مورد مطالعه، نشان از برازش کلی قوی مدل دارد.

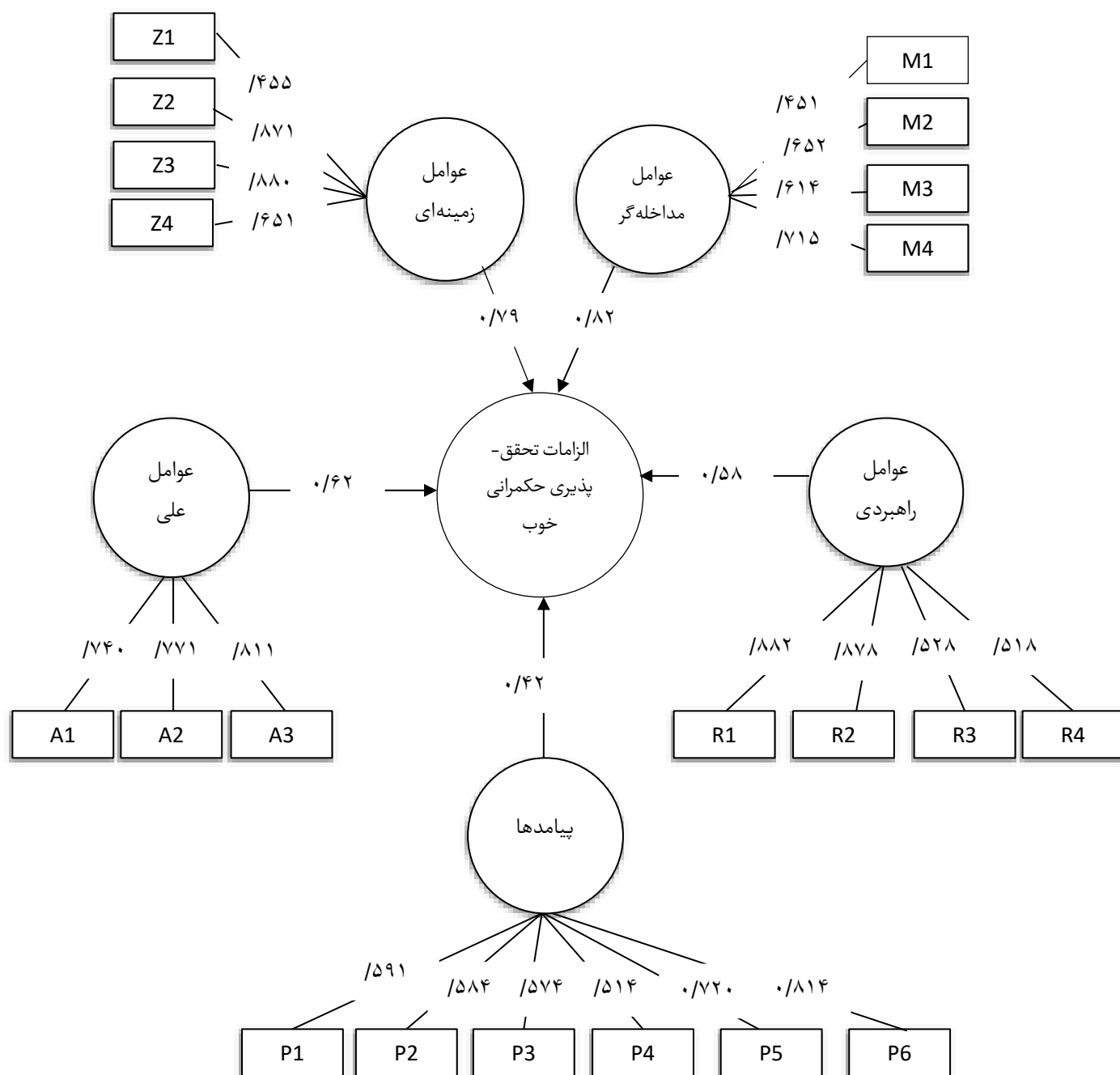
ضرایب مسیر و معناداری متغیرها

در این بخش به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود. در جدول زیر مقادیر ضرایب مسیر نشان داده شده است. در این روش از ضریب بتای استاندارد رگرسیون جهت تعیین جهت و شدت روابط میان متغیرها استفاده می‌شود. هدف تحلیل مسیر به دست آوردن برآوردهای کمی روابط علی بین مجموعه‌ای از متغیرهاست. ضرایب مسیر همان ضریب استاندارد شده رگرسیون هستند؛ بنابراین برای تحلیل مسیر باید از رگرسیون خطی ساده استفاده شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود عوامل مداخله‌گر با ضریب مسیر ۰/۸۲، عوامل زمینه‌ای با ضریب مسیر ۰/۷۹، عوامل علی با ضریب مسیر ۰/۶۲، عوامل راهبردی ضریب مسیر ۰/۵۸ و پیامدها با ضریب مسیر ۰/۴۲ از مؤلفه‌های تحقق‌پذیری حکمرانی خوب است.

جدول ۵. ضرایب مسیر و معناداری

متغیر	ضریب مسیر	P-Value	نماد	بار عاملی	P-Value
عوامل مداخله‌گر	۰/۸۲	۰/۰۰۰۲	M1	۰/۴۵۱	۰/۰۰۰۰
			M2	۰/۶۵۲	۰/۰۰۰۴
			M3	۰/۶۱۴	۰/۰۰۰۰
			M4	۰/۷۱۵	۰/۰۰۰۲
عوامل زمینه‌ای	۰/۷۹	۰/۰۰۰۳	Z1	۰/۴۵۵	۰/۰۰۰۱
			Z2	۰/۸۷۱	۰/۰۰۰۰
			Z3	۰/۸۸۰	۰/۰۰۰۰
			Z4	۰/۶۵۱	۰/۰۰۰۴
عوامل علی	۰/۶۲	۰/۰۰۰۰	A1	۰/۷۴۰	۰/۰۰۰۰
			A2	۰/۷۷۱	۰/۰۰۰۰
			A3	۰/۸۱۱	۰/۰۰۰۰
			R1	۰/۸۸۲	۰/۰۰۰۲
عوامل راهبردی	۰/۵۸	۰/۰۰۰۰	R2	۰/۸۷۸	۰/۰۰۰۰
			R3	۰/۵۲۸	۰/۰۰۰۰
			R4	۰/۵۱۸	۰/۰۰۰۲
			P1	۰/۵۹۱	۰/۰۰۰۰
پیامدها	۰/۴۲	۰/۰۰۰۱	P2	۰/۵۸۴	۰/۰۰۰۰
			P3	۰/۵۷۴	۰/۰۰۰۲
			P4	۰/۵۱۴	۰/۰۰۰۰
			P5	۰/۷۲۰	۰/۰۰۰۰
			P6	۰/۸۱۴	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق



نمودار ۳. ضرایب مسیر و بارهای عاملی

منبع: یافته‌های تحقیق

۵- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد‌های سیاستی

حکمرانی خوب، تمرین مدیریت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده است. این تمرین دربرگیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آن‌ها، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را البته با توجه به قیود و محدودیت‌ها داشته باشند. مؤلفه‌های حکمرانی خوب امروزه به‌مثابه یک دستگاه سنجش وضعیت حکمرانی در کشورهای مختلف دنیا به کار می‌رود و کشورها بر اساس مؤلفه‌های تعیین‌شده مورد ارزیابی و رتبه‌بندی قرار می‌گیرند. لذا با علم به اهمیت این موضوع، مهم‌ترین هدف این پژوهش نیز طراحی و تبیین الگوی سامانمند حکمرانی خوب در سازمان‌های علمی و فناوری است. نتایج حاصل از تحلیل کیفی داده‌های گردآوری‌شده از طریق رویکرد تحلیل تماتیک و کدگذاری باز و محوری نشان داد که عوامل مختلفی همچون عوامل علی، زمینه‌ای، راهبردی، مداخله‌گر و پیامدها در تبیین و طراحی الگوی تحقق‌پذیری حکمرانی خوب در سازمان‌های علمی و فناوری تأثیرگذار است. یافته‌های حاصل از تحلیل کمی داده‌های گردآوری‌شده نیز نشان داد که عوامل مداخله‌گر با ضریب مسیر ۰/۸۲، عوامل زمینه‌ای با ضریب مسیر ۰/۷۹، عوامل علی با ضریب مسیر ۰/۶۲، عوامل راهبردی با ضریب مسیر ۰/۵۸ و پیامدها با ضریب مسیر ۰/۴۲ در تحقق‌پذیری حکمرانی خوب در سازمان‌های علمی و فناوری تأثیرگذار است که به تفصیل در ادامه توضیح داده شده است:

- نتایج حاصل از تحلیل کیفی و کمی داده‌های گردآوری‌شده از طریق کدگذاری باز و محوری و معادلات ساختاری نشان داد که شاخص‌های همچون ضعف نهادی و ساختاری در سیاست‌گذاری، عدم استفاده از مدیران شایسته و قدرتمند در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، تعدد سازمان‌های موازی و تصمیم‌گیر و عدم کارایی اداری در دسته مقولات بااهمیت عوامل مداخله‌گر در مدل حکمرانی سازمان‌های علمی و فناوری است. به‌طوری‌که عوامل مداخله‌گر با ضریب مسیر ۰/۸۲ در تحقق‌پذیری حکمرانی و تشکیل الگوی حکمرانی در سازمان‌های علمی و فناوری تأثیر مثبت و معناداری دارد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت این عوامل نه تنها در پیاده‌سازی الگوی حکمرانی خوب در سازمان‌های علمی و فناوری، بلکه برای اجرای هرگونه سیاست و تصمیم‌گیری در هر سازمانی از اساسی‌ترین چالش‌های پیش روی مدیران است. برای دستیابی به اهداف سازمانی و تحقق حکمرانی خوب، افراد شایسته و کاردان باید در رأس امور قرار گیرند، زیرا تنها مدیران شایسته قادر به تحقق انتظارات سازمانی هستند. چنین مدیرانی باید هم دانش مدیریتی داشته باشند و هم از تجربیات به بهترین نحو بهره‌برداری کنند. در این میان ضعف ساختاری و نهادی در سیاست‌گذاری‌ها و عدم تعدد سازمان‌های موازی و تصمیم‌گیر، منجر به کاهش بروکراسی در سازمان‌های علمی و فناوری شده و مشارکت و خلاقیت را تسهیل می‌کند. در نتیجه این امر، کارایی اداری و سازمانی افزایش یافته و منجر به تحقق حکمرانی خوب خواهد شد. در راستای یافته‌های این بخش، پیشنهاد می‌شود بروکراسی و مقررات دست و پاگیر اداری کاهش یابد، از ثبات مدیریت و مدیریت غیرمتمرکز استفاده شود و از یک نظام ارزشیابی عملکرد سامانمند بهره‌مند شد. توسعه و ارتقای شایسته‌سالاری و شایسته‌پروری مستلزم تدوین و اجرای یک نظام ارزشیابی عملکرد دقیق و سامانمند است. ارتقای مدیران باید بر اساس نتایج این ارزشیابی‌ها

صورت گیرد تا از بی‌ثباتی و تکیه بر اصل آزمایش و خطا در عزل و نصب مدیران جلوگیری شود و زمینه بهره‌برداری از تجربیات مدیران موفق فراهم و در نتیجه کارایی اداری ایجاد گردد. این نظام ارزشیابی باید شامل معیارهای شفاف و قابل اندازه‌گیری باشد که عملکرد مدیران را به‌طور منظم و دقیق ارزیابی کند.

- نتایج حاصل از تحلیل کیفی و کمی داده‌های گردآوری شده از طریق کدگذاری باز، محوری و معادلات ساختاری نشان داد که شاخص‌های همچون فناوری اطلاعات و ارتباطات، وجود نظام اطلاعات آزاد، حاکمیت اخلاق در نظام علم و فناوری و قوانین و کیفیت مقررات حوزه علم و فناوری در دسته مقولات بااهمیت عوامل زمینه‌ای در مدل حکمرانی سازمان‌های علمی و فناورانه است. به‌طوری‌که عوامل زمینه‌ای با ضریب مسیر ۰/۷۹ در تحقق‌پذیری حکمرانی تشکیل‌الگوی حکمرانی در سازمان‌های علمی و فناورانه تأثیر مثبت و معناداری دارد. فناوری ارتباطات و اطلاعات به همراه چرخش آزاد اطلاعاتی نقش اساسی در حکمرانی مدرن دارد. با استفاده از این فناوری، سازمان‌های علمی و فناورانه می‌توانند خدمات را بهبود بخشند، پاسخگویی خود را افزایش دهند، شفافیت را بیشتر کنند و کارایی را بالا ببرند. همچنین، این فناوری می‌تواند در ایجاد اعتماد عمومی و حاکمیت اخلاق در نظام علم و فناوری نقش مهمی ایفا کند. چراکه حاکمیت اخلاق در حکمرانی نقش اساسی دارد. حاکمیت اخلاق به معنای اداره جامعه بر اساس ارزش‌های اخلاقی مانند صداقت، عدالت، مسئولیت‌پذیری و احترام است. از سویی دیگر فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش مهمی در پشتیبانی از اجرای قوانین، فرایندها و رفتارهایی که حکمرانی خوب را تعریف می‌کند، دارد. در راستای یافته‌های این بخش، کاربردی کردن فناوری ارتباطات و اطلاعات پیشنهاد می‌شود. به بیان دیگر یکی از ابزارهایی که ادارات و سازمان‌ها می‌توانند حکمرانی خویش را از داخل سازمان و همچنین کارایی و اثربخشی را در خارج سازمان و روابط خود با ذینفعان بهبود بخشند، کاربردی کردن فناوری ارتباطات و اطلاعات است؛ اما نکته قابل ذکر این است چون اداره سازمان‌های علمی و فناورانه نیازمند سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی و همچنین برنامه‌ریزی‌های مختص به بسترهای خود است، لذا باید این تصمیم و برنامه‌ها مبتنی بر اصول و ارزش‌های اخلاقی اتخاذ شوند تا بتواند در راهبری سازمان‌ها مؤثرتر باشد.

- نتایج حاصل از تحلیل کیفی و کمی داده‌های گردآوری شده از طریق کدگذاری باز و محوری و معادلات ساختاری نشان داد که شاخص‌هایی همچون اصلاح قوانین بالادستی، حاکمیت علمی به‌جای تصدی‌گری و شفافیت و پاسخگویی در سیاست‌گذاری در دسته مقولات بااهمیت عوامل علی در مدل حکمرانی سازمان‌های علمی و فناورانه است. به‌طوری‌که عوامل علی با ضریب مسیر ۰/۶۲ در تحقق‌پذیری حکمرانی و تشکیل‌الگوی حکمرانی در سازمان‌های علمی و فناورانه تأثیر مثبت و معناداری دارد. موظف نمودن همه ساختار حکمرانی به پاسخگویی مستمر به مردم و رسانه‌های جمعی باهدف تقویت شفافیت و اطلاع‌رسانی به موقع از جمله اقدامات مؤثر است؛ زیرا یکی از اصلی‌ترین مشکلات نظام حکمرانی، عدم پاسخگویی و به دنبال آن عدم مسئولیت‌پذیری و شفافیت علیرغم برخورداری از اختیارات کافی و مطلق و به وجود آمدن مسائل و مشکلات برای مردم و جامعه است. در این میان، به‌رغم وجود الزامات سازه‌ای شفافیت در اسناد بالادستی، نبود ترتیبات نهادی مانند ابهام در سامانه‌های سیاسی،

شکاف میان قوانین و اقدامات دولتی، پایین بودن ضریب پاسخ‌گویی نظام سیاسی، پایین بودن ضریب اعتماد عمومی به کارآمدی دولت، ضعف در نهادمندی سیاسی و نبود نهادهای مدنی فعال، بوروکراسی غیر شفاف و دشواری دسترسی به اطلاعات، وجود نهادهای نظارتی ناکارآمد و وجود ابهام و پیچیدگی در قوانین و مقررات، به کاهش شفافیت انجامیده و در نتیجه زمینه‌های گسترش فساد را فراهم ساخته است.

در راستای یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود برای ایجاد این دو اصل، می‌توان از راهکارهایی مانند انتشار آزاد اطلاعات، تسهیل دسترسی به آن‌ها، افزایش مشارکت مردمی، تقویت نهادهای نظارتی و تدوین قوانین شفاف بهره‌گیری کرد.

- نتایج حاصل از تحلیل کیفی و کمی داده‌های گردآوری شده از طریق کدگذاری باز و محوری و معادلات ساختاری نشان داد که شاخص‌های همچون بحران ارتباطات غیررسمی میان کنشگران، مهندسی مجدد ساختارها و فرایندها، توسعه مشارکت همه ذینفعان و توسعه نهادمندی سیاسی، در دسته مقولات بااهمیت عوامل راهبردی در مدل حکمرانی سازمان‌های علمی و فناورانه است. به‌طوری‌که عوامل راهبردی با ضریب مسیر ۰/۵۸ در تحقق‌پذیری حکمرانی و تشکیل الگوی حکمرانی در سازمان‌های علمی و فناورانه تأثیر مثبت و معناداری دارد. مهندسی مجدد فرایندها به عنوان یک ابزار کلیدی در حکمرانی سازمانی نقش مهمی ایفا می‌کند. این روش با بازطراحی اساسی فرایندهای کسب‌وکار، به سازمان‌ها امکان می‌دهد تا عملکرد خود را بهبود بخشیده، هزینه‌ها را کاهش داده و در نهایت به اهداف استراتژیک خود دست یابند. از سویی دیگر، تعدد نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر پیچیدگی بیشتری در زمینه طراحی و اجرای حکمرانی آموزش عالی پدید آورده است. ساختار متمرکز و سلسله‌مراتبی از بالا به پایین مشارکت حداقلی را برای ذینفعان در حکمرانی نظام علم و فناوری پدید آورده است. لذا در راستای یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود از یک نظام ارزیابی اثربخشی تلاش‌های مشارکت ذینفعان و تأثیر آن‌ها بر عملکرد و شهرت سازمان استفاده شود. همچنین می‌توان از فنون بهینه‌سازی برای بهبود عملکرد فرایندها استفاده نمود.

- نتایج حاصل از تحلیل کیفی و کمی داده‌های گردآوری شده از طریق کدگذاری باز و محوری و معادلات ساختاری نشان داد که شاخص‌های همچون افزایش چابکی سازمانی، توسعه ظرفیت‌های آموزشی، جذب و نگهداری نیروهای متخصص و حرفه‌ای، تحقق رسالت و مأموریت‌های نظام علم و فناوری، انصاف و برابری در ارتقا نیروها و شایسته‌گزینی و به‌کارگیری دقیق و تقویت ارتباطات مؤثر با جامعه مدنی در دسته مقولات بااهمیت پیامدها در مدل حکمرانی سازمان‌های علمی و فناورانه است. به‌طوری‌که عامل پیامدها با ضریب مسیر ۰/۴۲ در تحقق‌پذیری حکمرانی و تشکیل الگوی حکمرانی در سازمان‌های علمی و فناورانه تأثیر مثبت و معناداری دارد. آموزش و دستگاه‌های آموزشی، نقش بسزایی در تربیت منابع انسانی و چابک‌سازی سازمان در راستای اجرای حکمرانی خوب در سازمان‌های علمی و فناورانه دارند. در نتیجه سیستم آموزشی خوب، رسالت و مأموریت‌های نظام علم و فناوری برآورد و انصاف و برابری در ارتقا نیروها و شایسته‌گزینی نیز انجام می‌گیرد. لذا سازمان علمی و فناورانه بایستی در راستای انعطاف‌پذیرتر کردن ساختار سازمانی خود تلاش بیشتری کند. در این راستا پیشنهاد می‌شود، از طریق

به‌روزرسانی فناوری و به‌کارگیری شبکه‌های مجازی برای تسریع ارتباطات، نیروی انسانی متخصص، مدیریت دانش، بسترهای قانونی، ظرفیت‌های منابع سازمانی را بالا برد. از سویی دیگر، سازمان‌های علمی و فناورانه بایستی ارتباطات مؤثرتری را با جامعه مدنی برقرار کند. به‌کارگیری مؤثر از رسانه‌ها، رفع تبعیض در جامعه و ... می‌تواند به بهبود ارتباط میان سازمان‌های علمی و فناورانه با جامعه مدنی ختم شود.

منابع

منابع داخلی

- آبیار، منصور و حسین مسعودنیا و امیرمسعود شهرام‌نیا، (۱۳۹۶). نقش حکومت‌های محلی در فرآیند توسعه سیاسی مطالعه موردی، ایران. فصلنامه سیاست جهانی، ۱۶(۱)، ۱۵۹-۱۹۳.
- اکبری، زهرا، محمد حکاک، حجت وحدتی و امیر هوشنگ نظریوری، (۱۳۹۸). طراحی الگوی سه‌شاخگیسه شاخگی حکمرانی خوب در سازمان‌های چند سطحی. نشریه علمی مطالعات مدیریت راهبردی، ۱۰(۴۰)، ۱۹۵-۲۲۱.
- بیگی‌نیا، عبدالرضا، حقی کریم مسلم الله کریم الله و مجتبی حسینی فرد، (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی نظام حکمرانی کوروش کبیر با اصول حکمرانی خوب. فصلنامه فصلنامه راهبرد، ۵(۷)، ۱۱۹-۱۳۲.
- جاسبی، جواد و ندا نفری، (۱۳۸۸). طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سامانه‌های سیستم‌های باز. فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۴(۱۶)، ۱۱۷-۸۵.
- حاجی میررحیمی، سیدداود و مخبر، دزفولی (۱۳۹۸). بررسی و تعیین عوامل و راهبردهای استقرار و نهادینه‌سازی نظام تجاری‌سازی دستاوردهای فناورانه (مورد مطالعه مورد مطالعه: مراکز تحقیقات و آموزش کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی). علوم ترویج و آموزش کشاورزی، ۱۵(۱)، ۲۱۳-۱۸۹.
- دژبرد، مهدیه و داوود فرونه، (۱۴۰۲). الگوهای حکمرانی آموزش عالی در تجارب جهانی: مرور واقعیت‌ها در آینه پژوهش‌ها. آموزش عالی در ایران، ۱۵(۴)، ۶۸-۹۲.
- رهبری، علیرضا (۱۴۰۲). حکمرانی خوب و الزامات سازه‌ای شفافیت (با تأکید بر اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران). دو فصلنامه فصلنامه آیین حکمرانی، ۱(۲)، ۱۰۵-۱۳۶.
- زهیری، علی (۱۴۰۲). حکمرانی خوب و الزامات سازه‌ای شفافیت (با تأکید بر اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران). مجله آیین حکمرانی، ۱(۲)، ۱۰۵-۱۲۶.
- سلطانی‌نژاد، احمد و سهیل گودرزی، (۱۳۹۶). فناوری اطلاعات و تحول در مفهوم حکمرانی خوب. فصلنامه سیاست، ۴۷(۱)، ۷۹-۹۷.
- شریف‌زاده، فتاح و رحمت‌اله قلی‌پور، (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت. ماهنامه‌های فرهنگ مدیریت، ۱(۴)، ۹۳-۱۰۹.
- صمدزاد، سعیده (۱۴۰۲). الزامات پاسخگویی و شفافیت در حکمرانی خوب در استان آذربایجان شرقی. چهارمین همایش ملی و دومین همایش بین‌المللی حکمرانی متعالی، ۱-۹.
- صمدزاد، سعیده، فرامرز نوری، جاوید قهرمانی‌نهر و اکبر یالغوزآغاچ، (۱۴۰۲). ارائه استراتژی‌های توسعه منابع انسانی در سازمان‌های علمی و فناورانه (مورد مطالعه مورد مطالعه: سازمان جهاد دانشگاهی علم و صنعت). فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی، ۳۹، ۱۱۲-۱۳۲.
- طیبی‌رهنی، حمدیعی و م، یوسف مقدم، (۱۴۰۱). مدل تجویزی حکمرانی در مدیریت منابع انسانی بعد از شیوع ویروس کرونا با رویکرد کیفی. فصلنامه منابع انسانی تحول‌آفرین تحول‌آفرین، ۱(۳)، ۱۷-۳۲.

- عبداللهی، بیژن و سیده طیبه موسوی امیری، (۱۳۹۸). واکاوی نقش اخلاق حرفه‌ای حرفه‌ای در حکمرانی دانشگاهی، نشریه صنعت و دانشگاه. ۷۳-۸۶، (۱۰)، ۳۵.
- غفاری، مسعود و محمد رستم‌پور، (۱۳۹۹). نسبت تمرکزگرایی و حکمرانی خوب در دولت‌های نهم و دهم. فصلنامه علمی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۱۱(۱)، ۱-۱۷۷.
- فروغی ابری، علی اصغر و فرهاد سهامی، (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر تمرکزگرایی در تاریخ معاصر ایران در دو مقطع انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، تاریخ‌نامه‌تاریخ نامه انقلاب، ۲(۳)، ۱۱۵-۱۴۵.
- فطانت‌فرد حقیقی، میلاد، حسن رضا زین‌آبادی، حمیدرضا آراسته و عبدالرحیم نوه‌ابراهیم، (۱۴۰۰). طراحی الگوی حکمرانی خوب در نظام آموزش عالی. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری سیاست‌گذاری عمومی، ۱۱(۳۸)، ۳۲۴-۳۴۶.
- قیاسی، فاطمه، حجت‌الله درویش‌پور، محمد توحیدفام و علی اکبر امینی، (۱۴۰۱). نقش فناوری اطلاعات و دولت الکترونیک در ارتقای شاخص‌های حکمرانی صالح (مطالعه موردی سازمان اداری و استخدامی). سیاست‌گذاری سیاست‌گذاری و حکمرانی سیاسی، ۱۸(۲)، ۵۳۹-۵۶۲.
- کیانی، محمدعلی؛ بهادر زارعی، (۱۴۰۱). تحلیل مقایسه‌ای نقش سازمان‌های سازمان‌های مردم‌نهاد مردم نهاد و حکومت‌های حکومت‌های محلی در تحقق حکمرانی خوب منابع طبیعی، مرتع و آبخیزداری، مجله منابع طبیعی ایران، ۷۵(۲)، ۲۴۵-۲۶۲.
- میجانی، علی و محمدرحیم عیوضی، (۱۴۰۰). سیمای حکمرانی مطلوب در منشور حکمرانی علوی: از شاخص‌ها تا اشارت‌ها. حکمرانی متعالی، ۲(۲)، ۸۸-۱۱۳.
- موسوی، سیدعبدالرضا، عادل آذر، شعبان الهی و مقبل باعرض (۱۳۹۲). پارک‌های علم و فناوری و اقتصاد شهری، محلی و منطقه‌ای؛ شناسایی عوامل زمینه‌ای مؤثر در ارزیابی عملکرد این سازمان‌های نوظهور. مجله اقتصاد و مدیریت شهری، ۱۱(۳)، ۵۵-۴۵.
- میدری، احمد و جعفر خیرخواهان، (۱۳۸۳). حکمرانی خوب؛ بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- میدری، احمد. (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب. رفاه اجتماعی، ۲۲(۶)، ۲۸۸-۲۵۹.
- نرگسیان، عباس (۱۳۹۲). تئوریهای مدیریت دولتی، (جلد اول)، تهران: نگاه دانش.
- نیکزاد، بهزاد، فرشاد حاج‌علیان، مجید جهانگیرفرد و علی مهدی‌زاد اشرفی، (۱۳۹۹). طراحی الگوی سامانه‌ایسیستمی حکمرانی خوب در سازمان تأمین‌اتمین اجتماعی. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳(۳)، ۳۳۹۰-۳۴۱۴.

منابع خارجی

- Abu-Risheh, K. E. and Amin Al-Sa'eed, M. (2012). The impact of good corporate governance practices on financial reporting quality: Empirical evidence from listed companies on the Jordan listed companies. *Corporate Ownership & Control*, 9(4), 178-186.
- Asyik, N. Arisia, M. Respatia, W. Santoso, A. and Nur Ilham, R. (2024). Good corporate governance or corporate social responsibility: which affects the firm value and performance? *Cogent Social Sciences*, 10(1), 1-22.
- Beshi, T. D. & Kaur, R. (2020). Public Trust in Local Government: Explaining the Role of Good Governance Practices. *Public Organization Review*, 20, 337-350.
- Esty, D. C., (2006). Good Governance at the Supranational Scale: Globalizing Administrative Law", *The Yale Law Journal*.
- Fallah Haghighi, N. Mirtorabi, M. Bijani, M. (2020). Challenges of Establishing Agricultural Knowledge-based Companies by Applying SWOT Analysis: The Case of Iranian Research Organization for Science and Technology. *Iranian Agricultural Extension and Education Journal*, 16(1), 41-56.
- Fukuyama, F. (2002). Social Capital and Development: The Coming Agenda. *SAIS Review*, XXII (1), 23-37.
- Grindle, M. (2012). Good governance: The inflation of an idea. *Planning ideas that matter*, Harvard University, 1-21.
- Holohan, A. (2010). The challenge of becoming a network organization. Los Angeles. University of California press.
- Mansour, M. Al Amosh, H. Yuosef Alodat, A. Khatib, F. and Saleh, M. (2022). The relationship between corporate governance quality and firm performance: The moderating role of capital structure. *Sustainability*, 14(17), 1-25.

- Rahmawati, A. Roekhudin, R. & Prastiwi, A. (2021). Effect of good corporate governance and corporate social responsibility on firm value moderate by profitability. *International Journal of Research in Business and Social Science*, 10(4), 59–66.
- Rawlins, B. (2008). Give the emperor a mirror: Toward developing a stakeholder measurement of organizational transparency. *Journal of Public Relations Research*, 21(1), 71–99.
- Rondelli, D. (1984). *Decentralization in Developing Countries*. Washington: World Bank.
- Tjahjadi, B. Soewarno, N. and Mustikaningtiyas, F. (2021). Good corporate governance and corporate sustainability performance in Indonesia: A triple bottom line approach. *Heliyon*, 7(3), 1-11.
- UN- HABITAT (2002). *Global Campaign on Urban Governance: Concept*, 2002. Access in: www.unhabitat.com.
- Wood, A. (1999). Demystifying good governance. *Bank World of overview an Governance Reforms Conditions and Trocaire*, 1-42.